



## Examining the Opinion of Tajwid and Linguistics Scholars Concerning the Number and Order of Arabic Letters\*

Muhammad Reza Shahidipour <sup>1</sup>

Baqir Ilya <sup>2</sup>

### Abstract

The most primary issue in teaching any language is learning the alphabet of that language. Arabic language is of special importance as the language of Quran and Islam. One of the controversial issues of the Arabic language is the number of letters in this language, which has always been disputed, and the arrangement of letters is also one of the other important issues of Arabic linguistics. This article, organized using library sources and descriptive-analytical method, has examined the issue of the number and order of letters in the Arabic language from the perspective of scholars of reading (qirat) and linguistics. The findings of the this research indicate that the number of letters in the Arabic language is twenty-nine, and those who consider the number of Arabic letters to be twenty-eight did not consider Alif and Hamzah as two separate letters, and their reasons are subject to criticism. Subscripts are also one of the other topics related to the discussion, which are divided into eloquent and non-eloquent types. The order of the letters is also firstly expressed according to the pronunciation, then alphabetically (abjabi), and in modern times, it is often expressed alphabetically (abtatha).

**Key words:** Abjad Letters, Syllabic Letters, Arabic Letters Alphabet, Number of Letters, Order of Letters.

---

\*. **Date of receiving:** 11 July 2021, **Date of approval:** 06 June 2022.

1. Assistant Professor, Al-Mustafa International University, mohmadreza.shahidi@gmail.com

2. Student of the Level 4, Qira'at Sciences and Techniques, Al-Mustafa International University (From India) (Corresponding Author): baqaraliya72@gmail.com



## بررسی دیدگاه دانشمندان تجوید و زبان‌شناسی درباره تعداد و

### ترتیب حروف عربی\*

محمد رضا شهیدی پور<sup>۱</sup> و باقر ایلیا<sup>۲</sup>

#### چکیده

ابتدایی‌ترین مسئله در بحث آموزش هر زبانی فراگیری الفبای آن زبان است. زبان عربی به عنوان زبان قرآن و اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. یکی از مسائل بحث برانگیز زبان عربی تعداد حروف این زبان است که همواره مورد مناقشه بوده و همچنین مسئله چینش حروف نیز از دیگر مسائل مهم زبان‌شناسی عربی است. این مقاله که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته و مسئله تعداد و ترتیب حروف زبان عربی را از منظر دانشمندان قرائت و زبان‌شناسی بررسی نموده است. یافته‌های پژوهش پیش رو حاکی از این است که تعداد حروف زبان عربی بیست و نه حرف بوده و کسانی که تعداد حروف عربی را بیست و هشت می‌دانند الف و همزه را دو حرف مجزا ندانسته‌اند که دلایل آنان مورد نقد است. حروف فرعی نیز از دیگر مباحث مرتبط به بحث بوده که بر دو گونه فصیح و غیر فصیح تقسیم می‌شوند. ترتیب حروف نیز در ابتدا به تناسب مخارج، پس از آن به صورت ابجدی و در دوران معاصر غالباً به صورت ابثی (الفبایی) بیان می‌شود.

واژگان کلیدی: حروف ابجد، حروف هجاء، الفبای حروف عربی، تعداد حروف، ترتیب حروف.

\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۲۰ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۱۶.

۱. استادیار گروه علوم و فنون قرائت، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی العالمية؛  
(mohmadreza.shahidi@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته سطح چهار علوم و فنون قرائت، مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث، جامعة المصطفی العالمية [نویسنده مسئول]؛ (baqaraliya72@gmail.com).



## مقدمه

تنها کتابی که برای هدایت انسان از جانب پروردگارش نازل شده است، با این ویژگی که در هیچ زمانی نه احکام و نه دستورات آن قابل تغییر است؛ «إنا نحن نزلنا الذكر وإنا له لحافظون» (حجر: ۹). به گونه‌ای که خداوند متعال خود ضامن آن شده است. چون یکی از خصوصیات این کتاب آسمانی این است که این کتاب تا برپایی روز رستاخیز از هرگونه تحریف محفوظ است؛ «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ» (زمر: ۵۵) و قرآن که عالی‌ترین معارف گنجینه غیب را همراه با آهنگی روح‌نواز به عالمیان هدیه می‌کند. قرآن سرچشمه سار بی‌پایان و فوران آب حیات است (انفال: ۲۴). اکسیر سعادت و شراب جاودانگی است \* شعاع پرفروغش روشنی‌بخش ظلمت‌کده عالم ملک است (نساء: ۱۷۴؛ ابراهیم: ۱). این از ویژگی‌های قرآن است که در همه جوانب و تمامی سطوح بشر سخن رانده و همگان را دعوت به تفکر است.

از این رو، قرائت و تلاوت قرآن، برای همه فرض و حتم است تا هم از محتوای بلند آن آگاه گردند و هم از ترنم قرائت آن لذت برند، زیرا خداوند متعال از همه انسان‌ها خواسته است که این کتاب آسمانی را تا جایی که وسع و توان دارند بخوانند و در آن تفکر بورزند. «فَاقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ...» (مزل: ۲۰)؛ «هرقدر برای آن‌ها میسر و امکان‌پذیر است، به قرائت و تلاوت قرآن کریم بپردازند». نخستین گام برای قرائت و تلاوت قرآن، شناخت حروف زبان عربی است، و اصولاً برای فراگیری هر زبانی نخست باید الفبای آن را آموخت.

علماء در مقدمات این مباحث این چنین بیان می‌کنند که دانستن این مباحث حروف از مهم‌ترین مباحثی است که باید قرآن‌آموز بداند چون مباحث حروف از اشرف مباحث اصول قرائت و اهم مباحث در علم تلاوت است. و بدون آشنایی حروف امکان خواندن از روی متن ممکن نیست. مسئله‌ای که از دیرباز مورد اختلاف دانشمندان بوده است، تعداد و ترتیب حروف عربی است که در این مقاله مورد بحث قرار گرفته و دلائل هر گروه مورد بررسی واقع می‌شود. مباحث حروف در کتب مختلف همیشه مورد بحث بوده است، نویسندگان لغت، ادبیات عربی، تجوید و قرائات هر کدام به تناسب موضوع آثارشان، بحث‌های گسترده‌ای در این باره به رشته تحریر درآورده‌اند، اما کتابی که به طور مستقل درباره تمام حروف تهجی و تعداد و ترتیب این حروف از دیدگاه علماء قرائت بحث کرده باشد یافت نشد. اما کتاب‌های مختلف درباره حروف یا یک‌دسته از حروف نوشته شده است مثل الرسائل الضاد محمد بن عبدالمطولی (م ۱۳۱۳) کتابی دیگر الفرق بین الضاد والطاء محمد ابن احمد



الفروخی (م ۵۵۷) و دیگر کتاب‌های که امروزه مثل «تجوید حروف الجوفیه التي نزل بهن القرآن»، فرغلی سید عرباوی و...؛ اما نوشته‌ای که به صورت مستقل تعداد و ترتیب حروف عربی را بررسی کرده باشد، دیده نشد.

قبل از ورود به بحث اصلی ابتدا تعریف «حرف» آورده می‌شود و سپس به نظریه‌ها درباره تعداد حروف بیان می‌گردد. در تعریف حرف علماء گفته‌اند: حرف در لغت به معنی طرف و کناره شیء است مثل حد السیف<sup>۱</sup> و به معنی وجه هم بیان کرده‌اند (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴۲/۲). در اصطلاح «الحروف التی تألف منه الکلام... و هی حروف اب ت ث...» (مکی ابن ابی طالب حموش ابن محمد، ۲۰۰۹: ۱۹۲) حروف جمع حرف است که توسط آن کلام درست می‌شود. سیبویه درباره حرف چنین گفته است: «الحرف احد الحروف المعجم...»؛ یعنی حرف یکی از حروف معجمه است (عباده، ۱۴۲۸: ۱۱).

## الف. تعداد حروف از دیدگاه علماء تجوید و قرائات

تعداد حروف از جمله مباحثی است که علماء در بیان تعداد حروف اختلاف نظر دارند. اینجا چند نظریه که مشهور است بیان می‌شود. علماء قرائت و تجوید حروف تهجی را به دو بخش اصلی و فرعی تقسیم کرده‌اند. در این بخش به توضیح و تبیین علما درباره آنها پرداخته می‌شود.

### ۱. حروف اصلی

نظریه‌های اندیشمندان درباره حروف اصلی به شرح ذیل است:

#### دیدگاه اول: نظریه ۲۹ حرف اصلی

بسیاری از علماء از صدر اسلام تا کنون قائل بر ۲۹ حرف بوده‌اند و در اثبات بیان خود حدیثی را به عنوان دلیل از نبی کریم ﷺ نقل می‌کنند: از نبی مکرم ﷺ سوال شد، چند حرف بر حضرت آدم نازل شده بود، حضرت فرمود: «قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَمْ حَرْفَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى آدَمَ؟ قَالَ ﷺ تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ، قَالَ أَبَازِرًا يَا رَسُولَ اللَّهِ عِدَدَتِ ثَمَانِيَةٍ وَعِشْرِينَ، فَقَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ... مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى آدَمَ إِلَّا تِسْعَةً وَعِشْرِينَ حَرْفًا فَقُلْتُ لَيْسَ فِيهَا أَلِفٌ وَلَا مٌ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَامُ الْأَلِفِ حَرْفًا وَاحِدًا...» (مکی بن ابی طالب حموش ابن محمد، ۲۰۰۹: ۱۳۹) اباذر از نبی مکرم ﷺ سوال می‌کند یا رسول الله ﷺ چند حرف بر

۱. الطنبولی منی المیسر فی علم التجوید، ص ۲۸، دار الایمان، اسکندریه، مصر ۲۰۰۹.



آدم ﷺ از جانب پروردگار نازل شده بود؟ حضرت ﷺ جواب داد: ۲۹ حرف ابأذر عرض کرد، ما ۲۸ می‌دانیم؛ پیامبر ﷺ ناراحت شد و فرمود: خداوند بر آدم ﷺ ۲۹ حرف نازل فرموده است که الف و لام (لا) در آن هم یک حرف است. (نه دو حرف جدا) هرکس به آن ایمان نداشته باشد از من نیست. از این روایت می‌توان فهمید که در زمان نبی کریم ﷺ این بحث بوده است که (لام و الف = لا) یک حرف است یا دو حرف جدا! و اینکه امروزه گفته می‌شود این برای خواندن الف است که بر سر لام آورده می‌شود.

جواب این است که: اگر می‌خواستند خواندن الف را یاد بدهند چرا با لام (لا) وصل کردند آیا قبل از لام بیش از بیست و پنج حروف وجود دارد چرا تمام این حروف را خالی گذاشتند و رسیدند به حرف لام (ل)؟

این یک حرف ناپسندیده است و ترجیح بلامرجح اگر دقت شود به خوبی می‌توان فهمید که (لا) یک حرف مستقل است دلیل آن در ذیل ذکر می‌شود.

۱- حدیثی که قبل از این مطلب گذشت به‌وضوح بر این مطلب دلالت دارد، چون در حدیث راوی سوال جداگانه ای درباره (لا) از نبی کریم ﷺ مطرح می‌کند و جواب آن حضرت ﷺ هم مشخص است.  
۲- لام و الف (لا) در بنیاد اسلام است در کلمه توحید (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) لذا اگر این لا یک حرف باشد اشکال آن چیست؟ با وجود اینکه این حرف در زبان‌های قبل از عربی هم وجود داشته، و علت سوال راوی هم همین بوده است که آیا ما هم این حرف را یکی حساب کنیم.

۳- هیچ دلیلی وجود ندارد که گفته شود برای خواندن الف، لام را انتخاب کنیم. اما دلیلی برخلاف این وجود دارد که می‌گوید لام و الف (لا) یک حرف است.

صاحب کتاب الرعایه در باره تعداد حروف چنین گفته است: «الْحُرُوفُ الَّتِي تَأْلَفُ مِنْهُ الْكَلَامُ تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا»؛ حروفی که توسط آن‌ها کلام درست می‌شود یا کلام می‌کنند ۲۹ حرف هستند. و آن حروف ا ب ت ث... که شهرت اینها مانع ذکر آن‌ها است. و عظمت و جلالت این حروف این است که خداوند متعال به واسطه این حروف کلام خود (قرآن) را به ما فهماند، و توحید را برای ما بازگو کرده است (قرطبی، ۲۰۰۹: ۱۹۲).

قرطبی در کتاب «الموضح فی التجوید» درباره تعداد حروف گفته است: «فَنَقُولُ: حُرُوفُ الْعَرَبِيَّةِ تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا الْهَمْزَةُ وَالْأَلِفُ... وَلَهَا سِتَّةٌ عَشَرَ مَخْرَجًا...» (قرطبی، ۱۴۳۰: ۷۸ - ۷۷).  
قرطبی یکی از دانشمندان علم قرائت می‌گوید: ما می‌گوییم: حروف عربی از نظر تعداد ۲۹ حرف هستند که دارای مخارج هفده‌گانه هستند.



العطار همدانی درباره تعداد حروف گفته است: «اعلم ان حروف المعجمة كلها تسعة وعشرون و هي الهمزة والالف...» (ابی العلاء، ۱۴۲۰: ۲۷۳). «فاما مخارجها فستة عشر مخرجا» (همان: ۲۷۷). عطار در کتاب خود، تعداد حروف را این چنین بیان می کند: حروف را به عنوان حروف معجمه ذکر کرده که حروف معجمه ۲۹ حرف هستند. که اول آن همزه و بعد الف و سایر حروف تا آخر و این عددی است که تمام اهل عرب به آن اتفاق دارند غیر از ابوالعباس المبرد، که آن اجتهاد شخصی است. غانم قدوری الحمد در «شرح مقدمه جزریه» می گوید: تمام شارحین مقدمه جزریه در بیان تعداد حروف گفته اند که حروف عربی (۲۹) حرف هستند (غانم قدوری، ۱۴۲۹: ۲۲۶). مکی در «نهایه القول المفید» بیان می کند: حروف عربی در دو بخش تقسیم می شوند: اصلی و فرعی. «وَأَمَّا الْأَصْلِيَّةُ فَهِيَ تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا عَلَى مَا هُوَ الْمَشْهُور...» (الجریسی محمد مکی نصر، ۱۴۳۰: ۵۱). مکی درباره حروف می گوید آنچه که نقل کرده اند حروف دو قسمت دارند اصلی و فرعی و تعداد حروف اصلی ۲۹ حرف است.

عبدالهادی الفضلی از دانشمندان معاصر در کتاب «الموجز فی علم التجوید» این گونه بیان می کند: علماء در تعداد حروف اختلاف نظر دارند: برخی گفته اند: ۲۸ حرف هستند اگر الف و همزه را یک حرف بدانیم. برخی گفته اند: ۲۹ حرف هستند اگر همزه را یک حرف و الف را یک حرف بدانیم (افضلی، ۲۰۱۲: ۳۸-۳۹).

ابن جنی درباره تعداد حروف گفته است، تعداد حروف را «...أَعْلَمُ أَنَّ أَصُولَ حُرُوفِ الْمُعْجَمِ عِنْدَ الْكَافَةِ تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا فَأَوَّلُهَا أَلِفٌ وَآخِرُهَا يَاءٌ...»؛ بدانید، اصل حروف معجمه نزد تمام علماء ۲۹ بیان شده است. اول آن حرف الف و آخر آن یاء است. و الف در اول آن هست بعضی آن را با اسم همزه یاد می کنند و دلیل آن ها این است که الف در یک شکل ثابت نمی ماند. و بعضی دیگر مثل مبرد الف را حرف نمی شمارند لذا می گویند تعداد حروف عربی ۲۸ حرف است (ابن جنی، ۲۰۰۷: ۵۵).

#### دیدگاه دوم: نظریه ۲۸ حرف

گروه دیگر از علماء تعداد حروف را ۲۸ حرف می دانند، ادباء بصره مثل ابو العباس مبرد که در حروف تهجی عربی بعضی حروف را مستقل حساب نکرده و گفته است: چون این حروف یک تکیه گاه ثابت در اداء خود ندادند و بر اثر اعراب متغیر هستند تعداد حروف را ۲۸ حرف دانسته است و شاگردان خاص او به این نظر عقیده دارند.



## دیدگاه احمد بن محمد بن محمد الجزری

این دانشمند قرائت قرآن به لحاظ زمانی نزدیک‌ترین فرد به ابن جزری است که، ابن جزری او را به‌عنوان یکی از قراء در کتاب خودش طبقات القراء ذکر کرده است. یعنی احمد ابن محمد الجزری در زمان حیات پدرش به‌عنوان استاد برجسته قرآن کریم بوده است.

درباره تعداد حروف می‌گوید: «إِنَّ أَوَّلَ حُرُوفِ اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ حَرْفًا»؛ حروف ۲۹ تا هستند و این را قبول کرده است به این دلیل که قول مُبَرِّد را که گفته است: ۲۸ حرف هستند، رار کرده است. به این دلیل که در ابتداء هر حرفی اسم آن وجود دارد با رسم آن. و بودن تغییر بین الف و همزه دلالت بر این دارد. که این دو تا حرف هستند. یکی الف (ا) دومی همزه (ء) و همزه در شکل‌های مختلف می‌آید گاهی با یاء، گاهی با واو، گاهی با الف.

دلیل اصلی نشمردن حرف همزه (ء) این است که مُبَرِّد این است که همزه یک شکل معین ندارد. (حیاوی، ۱۴۳۱: ۶۴).

جابری نیز ادعای اجماع کرده است که: «أَوَّلَ حُرُوفِ الْمُعْجَمِ تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ» اجماع علماء بر این است که اصل حروف معجم در زبان عربی ۲۹ حرف هستند و این عدد غیر از زبان عربی در زبان‌های دیگر تکمیل نشده است. چون حرف ضاد (ض) غیر از زبان عربی در زبان‌های دیگر وجود ندارد (ابن الجماعة: ۳۳۸/۱). و حروف دیگر هم که در زبان عربی استعمال زیادی دارند در زبان‌های دیگر استعمال نمی‌شوند مثلاً حرف ثاء (ث) در لغت رومی و فارسی وجود ندارد (همان).

## ۲. حروف فرعی

حروف فرعی هستند که از صفات اصلی خود تغییر کرده‌اند یا به صفات یا مخرج حروف مجاور رسیده‌اند و به‌علت مجاورت تغییر کرده‌اند که این تغییر به یکی از این سه صورت اتفاق افتاده است: ۱. مجاورت مثل صاد که به زای رسیده؛ ۲. تسهیل در گفتار مثل همزه‌ای که بین بین است؛ ۳. خلط بین دو حرف مثل صاد و زای.

در ادامه به دیدگاه‌های علما درباره تعداد حروف فرعی پرداخته می‌شود:

## نظریه اول: ۳۵ حرف عربی

صاحب کتاب «المُقْتَصَب» در کتاب خود می‌نویسد: «إِعْلَمَ أَنَّ حُرُوفَ الْعَرَبِيَّةِ خَمْسَةٌ وَثَلَاثُونَ حَرْفًا وَ مِنْهَا ثَمَانِيَّةٌ عِشْرِينَ لَهَا صُورَةٌ»

بدانید که حروف عربی ۳۵ حرف هستند که ۲۸ حرف از این شکل خاص و معین دارند و بقیه حروف شکل خاص ندارند اما در قرائت قرآن استفاده شده‌اند.



## علت اختلاف نظر در تعداد حروف

درباره مخارج حروف از زمان قدیم تا الان بحث‌های زیادی مطرح شده است. اینجا هم به ترتیب مباحث مخارج الحروف بیان خواهد شد. علمای در بیان تعداد مخارج حروف اختلاف نظر دارند. اینجا تعداد مخارج حروف را باتوجه به دیدگاه قدماء، متأخرین و معاصرین ذکر می‌کنیم: سبب اختلاف نظر درباره تعداد حروف از نظر کمیت بین علمای از قدیم تا امروز به خاطر یک حرف الف (ا) است. که علمای قرائت و تجوید درباره الف نظرات جداگانه‌ای دارند. به چند مورد اشاره می‌شود.

۱- همزه را به طور قطعی از حروف تهجی می‌دانند، ولی حرف (الف) را یک حرف قطعی نمی‌دانند.

۲- همزه یک حرف مستقل است چون به حرف ماقبل خود احتیاجی ندارد، و به طور مستقل هم خوانده می‌شود. ولی (الف) به حرکت ماقبل نیاز دارد و بدون آن قرائت نمی‌شود.

۳- همزه می‌تواند در ابتداء کلمه واقع شود، ولی (الف) این قابلیت را ندارد.

۴- همزه می‌تواند در کلمه مستقل ذکر شود و معنی هم داشته باشد مثل همزه استفهام (أ) ولی در (الف) این وجود ندارد.

۵- همزه رسم‌های مختلف دارد (ء، ا، ئ) ولی (الف) به صورت کوتاه و کشیده (اِ) استعمال می‌شود.

البته بین علماء قرائت و تجوید افرادی بوده‌اند که اینها را دو حرف مستقل به حساب آورده‌اند.

به نظر می‌رسد که ما بپذیریم که این دو حرف در وضع اولیه همین گونه بوده‌اند، نه همزه (ء) جای الف (ا) را می‌گیرد و نه برعکس. اگر آن (الف) در هجی کردن (الف) قرائت می‌کنیم بس نتیجه این خواهد بود که این دو تا حرف (همزه و الف) از هم جدا هستند، اگرچه در رسم بعضی اوقات جای هم دیگر نوشته می‌شوند و لکن جاهایی که مخصوص الف است هیچ‌گاه همزه نوشته نمی‌شود و اگر بنویسند از نظر رسم اشتباه خواهد بود.

قرطبی نقل می‌کند مشهور این است که حروف ۲۹ تا هستند، عرب و عجم آن‌ها را استفاده می‌کنند، به جز حرف (ظاء) که این به عرب اختصاص دارد و عجم این حرف را ندارند. و نقل کرده است که حرف (حاء) هم از اختصاصات لغت عرب است. عجم این حرف را ندارند، مگر خیلی کم (که نزدیک چهارصد سال است بعد از اسلام به عجم‌ها این حرف رسیده).



۶- یکی دیگر از علت اختلاف می‌تواند این باشد که بعضی از حروف را علماء قائل به اختصاص عربی هستند مثل حرف ثاء (ث) ولی این خلاف ادعا است چون در زبان فارسی در گویش و نطق شاید این حرف نباشد اما در رسم وجود داشته است. و همین طور حرف ظاء (ظ) شاید در باره ظاء می‌توان گفت که این حرف به عربی اختصاص دارد. (ابن درید، ۱۹۷۸: ۴/۱).

۷- خلیل ابن احمد یک روایت را نقل کرده است: قال الظاء حرف خص به لسان العرب ولا يشركهم فيه احد من سائر الامم.

۸- خلیل نقل کرده است که: حرف (ظ) از اختصاصات زبان عرب است و هیچ‌یک از زبان‌های دنیا این حرف را ندارند. حرف ظاء از اختصاصات عرب است و در این هیچ‌یک از امت‌ها شریک نیستند. (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۰۳/۴)

در کتاب «شرح جامع الجوامع» آمده است:  
«وَالذَّالُ الْمُعْجَمَةُ لَيْسَتْ فِي الرُّومِيَّةِ وَلَا فِي الْفَارِسِيَّةِ...»؛ حرف ذال (ذ) در لغت فاسی و رومی وجود ندارد.

#### انواع حروف فرعی

بحثی کوتاه در باره حروف فرعی و تعداد آن‌ها در ذیل بیان می‌شود تا مباحث تعداد حروف به‌طور کامل در این مقاله بیان شده باشد.

علماء حروف فرعی را به دو بخش تقسیم کرده‌اند بخش اول حروف مستحسنة، و بخش دوم غیر مستحسنة. در قرائت قرآن کریم حروف غیر مستحسنة جای ندارد، بحثی که به آن پرداخته می‌شود حروف مستحسنة هستند.

تعریف حروف مستحسنة: حروفی هستند که اگر در حروف اصلی با کم کردن یکی از صفت یا از غیر مخرج اصلی اش اداء شوند به یک حرف یا صدای دیگر تبدیل می‌شوند. و این حروف در قرائات قرآن هم استفاده شده‌اند و علماء آن را با صفت یا مخرج بین تعریف کرده‌اند مثلاً در قرآن مجید لفظ مسیطر آمده است که آن را با ص و با س هر دو حرف خوانده‌اند. (غرباوی فرغلی، ۲۰۰۹: ۸۰-۸۴).

از علماء قدیم درباره تعداد حروف نقل می‌کنند که این سلیقه سیبویه است که در الکتاب تعداد حروف اصلی را نقل می‌کند. چون که اگر به تعداد فرعی حروف توجه شود قطعاً تعداد حروف از این بیشتر خواهد بود. مثل (الكاف التي بين الجيم والكاف...) اگر تعداد حروف این‌گونه حساب شود در مجموع ۵۲ حرف خواهد بود (قرطبی، ۲۰۰۹: ۸۷).



## شش حرف فرعی

صاحب کتاب «الرعاية» در کتاب خود بعد از بیان حروف اصلی که قائل به ۲۹ حرف است، شش حرف را به عنوان حرف فرعی می‌شمارد که در قرآن استفاده شده است چه در قرائت دو لهجه باشد یا آن لفظ با هر دو حرف باشد.

التَّوْنُ الْحَفِيفُ: مثل تنوین یا نونیکه با جیم (ج) و کاف (ک) استعمال می‌شود. و مثل همین است نون خفیفه که در افعال برای تأکید استعمال می‌شود چون که مخرج آن غیر از مخرج نون متحرک و نون صحیح ساکن است. مثل منک، عنک و من زید.

الْأَلْفُ الْمُمَالَةُ: الفی که بین الف و یاء (ای) می‌آید نه الف کامل و نه یاء کامل بلکه الفی که نزدیک یاء است مثل العُلَى (طه: ۴) الْهَدَى (بقره: ۱۲۰) سُكَارَى (بقره: ۸۵).

الْأَلْفُ الْمُفْخَمَةُ: الفی که به خاطر تفخیم مائل به واو می‌شود. همان گونه که الف مُمَاله می‌باشد. و در قرائت ورش و نافع وجود دارد. مثل «مُصَلَّى» (بقره: ۲۲۵) «يُطْلَم» (آل عمران: ۱۸۲).  
الضَّادُ الْمَشَامَةُ: حرف ضاد که با لفظ زاء مخلوط می‌شود. مثل «الضَّرَاط» (فاتحه: ۶)، «وَقَصْدُ السَّبِيل» (نحل: ۹)، «وَمَنْ أَصْدَقُ» (نساء: ۸۷).

الهمزة المسهلة (بین بین): همزه‌ای که بین بین است. یعنی همزه ساکن بین حرف متحرک الف قرار گیرد. مثل «رء آ» (انعام: ۷۶) این همزه هم در کلام عرب استعمال می‌شود و هم در قرآن کریم استعمال شده است.

الحرف بین الشین و الجیم: این حرف چیزی معادل حرف «ژ» در زبان فارسی است که در قرآن استعمال نشده است. البته در بعضی از لغات عرب وجود دارد (کحاله، ۱۸۹/۹). در برخی از لهجه‌ها حرف «جیم» به این صورت تلفظ می‌شود. (انیس، ۹۸).  
پس اگر تعداد حروف بر اساس این حساب شود در مجموع ۴۲ حرف خواهد بود.

## حروف مستقبحه (حروف فرعی غیر فصیح)

حروف فرعی غیر فصیح (حروف مستقبحه) حروفی هستند که در قرائات مشهور وجود ندارند، اما در لهجه‌ها و قبیله‌هایی به کار می‌روند. این حروف را العطار در کتاب التمهید ذکر کرده است. و تعداد آن را هشت حرف بیان نموده است. اما اخفش یک حرف را در این اضافه کرده است.

۱- الکاف التی بین الجیم و الکاف (کافی که بین جیم و کاف تلفظ شود)؛

۲- الجیم التی کالکاف (جیم که مثل کاف اداء می‌شود)؛



۳- الحیم التي کالشین (حیم که مثل شین اداء می شود)؛

۴- الضاد الضعیفه (حرف ضاد که ضعیف اداء می شود)؛

۵- الصاد التي کالسنین (صاد که مثل سین اداء می شود)؛

۶- الطاء التي کالتاء (طاء که مثل تاء اداء می شود)؛

۷- الظاء التي کالطاء (ظاء که مثل ثاء اداء می شود)؛

۸- الباء التي کالمیم (باء که مثل میم اداء می شود)؛

۹- الذال التي کالطاء (ذال که مثل ثاء اداء می شود) (ابی العلاء، ۱۴۲۰: ۲۶۵).

اما در ادامه مباحث خود بیان می کند اینها در کلام عرب به کار می روند اما در لغت قرآن (زبان قرآن) این حروف استعمال نمی شوند.

#### حروف فرعی غیر فصیح معاصر (حروف مبدل از مخارج قدیم)

- ض در برخی لهجه‌ها تبدیل شده است به دال (الرمضان الرمضان) واژه‌ای که به احتمال زیاد متأثر از زبان انگلیسی است و در حال مشهور شدن است.

- س در برخی لهجه‌ها تبدیل شده است به زای (المسجد المزجد)

- ظ در برخی لهجه‌ها تبدیل شده است به زای (العظیم العزیم)

- ج در برخی لهجه‌ها تبدیل شده است به گاف (المسجد المسگد)<sup>۱</sup> (قرطبی، ۲۰۰۹: ۸۲-۸۰)

#### ب. ترتیب حروف

علمای قرائت و تجوید درباره حروف عربی تقسیم‌بندی‌های مختلفی ارائه نموده‌اند. بعضی از آن‌ها بر اساس دستگاه تکلم حروف را تقسیم کرده‌اند. بعضی از آن‌ها بر اساس مخارج و بعضی دیگر بر اساس صفات حروف را در چند بخش تقسیم کرده‌اند. در اینجا چند نمونه از آن تقسیم‌بندی بیان می‌شود.

در مباحث ترتیب حروف بین علمای قرائت، لغت و آواشناسی نظرات مختلفی دیده می‌شود و در بیان ترتیب و چینش حروف سلیقه‌ای عمل کرده‌اند. در ذیل به سه نظریه اشاره می‌شود که تا امروزه غیر از این نظر، نظریه جدیدی ارائه نشده است. یعنی تا زمان خلیل ابن احمد حروف به ترتیب الف، باء بوده است یا بعضی‌ها به جای الف همزه را ذکر می‌کردند غیر از این ترتیب دیگری وجود نداشته است. اما از زمان خلیل ابن احمد در ترتیب نظرات جدید اراده شده.

۱. قرطبی عبد الوهاب بن محمد/الموضح فی التجوید ص ۸۰-۸۲، چاپ دوم، دار عمار عمان، ۱۴۲۹ این حروف را می‌توان در گفتگو روز مره اردو زبانها به خوبی مشاهده کرد.



## دیدگاه قدماء درباره ترتیب و چینش حروف

در این بخش سه نفر از قدماء که نظرات متفاوت درباره ترتیب و چینش دارند شامل خلیل بن احمد فراهیدی صاحب کتاب العین، سیبویه صاحب کتاب الکتاب و ابن جنی صاحب کتاب «سر صناعة الاعراب»، بیان می‌شود.

### ۱. خلیل بن احمد فراهیدی

خلیل ابن احمد کتاب خود را از لفظ (ع) عین شروع می‌کند و برای آن دلائلی را ذکر کرده است و این ترتیب یک نوآوری در زبان عربی به حساب می‌آید. کسانی که درباره الکتاب خلیل مقدمه‌ای نوشته‌اند درباره شروع الکتاب این‌گونه بیان کرده‌اند:

۱- اگر شروع الکتاب از الف باشد. الف در ابتداء کلمه خوانده نمی‌شود نه در اسم و نه در فعل مگر این زائده باشد یا مبدل. از این نظر الف اعتبار کاملی بین حروف ندارد به‌خاطر احتیاج الف به یک حرف دیگر.

۲- اگر از حرف باء شروع کند علت ترجیح باء بر الف چیست باید دلیل بیاورد. و بایستی جواب می‌آورد برای این ترجیح بلامرجح

۳- با همزه هم شروع نکرد چون همزه هم مثل الف حالات مختلف دارد، گاهی حذف می‌شود گاهی تغییر پیدا می‌کند.

۴- با هاء هم شروع نکرد چون هاء حرف مهموس است برای های صوتی وجود ندارد مگر خیلی خفی و نازک.

خلیل بن احمد معتقد است: تمام حروف تهجی از حلق خارج می‌شوند لذا حروفی که از حلق خارج می‌شوند. برای مباحث مناسب‌ترند. به‌علت کامل بودن آن‌ها از نظر رسم و صوت و مخارج و صفات حروف را بر این اساس در ده‌قسمت تقسیم کرده است:

۱- ع ح ه خ غ؛

۲- ق ک؛

۳- ج ش ض؛

۴- ص س ز؛

۵- ط د ت؛



۶- ظ ث ذ؛

۷- ز ل ن؛

۸- ف ب م؛

۹- و ای؛

۱۰- (ء) همزه؛

خلیل بن احمد کتاب خود را از حرف عین (ع) شروع کرده است. علت این را این گونه بیان می‌کند: که تمام حروف از حلق خارج می‌شوند و حرف عین (ع) اولین حرف در حلق یعنی اقصی الحروف است. در نطق نزدیک‌تر است از زبان لذا از نظر خلیل ابن احمد این حرف بهترین حرف است برای شروع لغت. و علمای که قبل از خلیل ابن احمد بوده‌اند مثل نصر ابن عاصم اللیثی ابو عمرو بن علاء این ابتکار را نداشته‌اند. این مخصوص خلیل ابن احمد است. بنابراین او برای بیان صدای حروف و صفات از کلمه (حرف) استفاده کرده است. مانند «الحروف الذلق حروف اقصی الحلق حروف الجوف الحروف الاسلیه الحروف الصحاح الحروف الصم الحروف اللهویه و...» (فراهِیدی، بی‌تا: ۵۷/۱-۵۳).

## ۲. سیبویه

سیبویه در باره بیان ترتیب حروف مثل خلیل از اقصی الحلق شروع کرده است، و به شفتین رسیده اما در ترتیب و چینش حروف با استاد خودش اختلاف نظر دارد.

۱- همزه الف هاء؛

۲- ع ح غ خ؛

۳- ک ق؛

۴- ض ج ش؛

۵- ی ل ر؛

۶- ن ط د؛

۷- ت ص؛

۸- ز س ظ؛

۹- ذ ث ف؛

۱۰- ب م و؛

در این ترتیب سیبویه از همزه، الف، و از هاء شروع کرده است، و غین را بر خاء مقدم داشته است، و قاف را بعد از کاف آورده است. این کار سیبویه اگرچه مخالف ترتیب جوهری مخارج است. و غیر از یک اجتهاد شخصی چیز مهمی ندارد. از این رو نمی‌توان انکار کرد که کار سیبویه ابتکار در چینش حروف نبوده است. (صغیر، ۱۴۲۰: ۵۳).



### ۳. ابن جنی

ابن جنی صاحب کتاب را می‌توان پدر علم اصوات در موضوع اصوات القرآنیه گفت چون ابن جنی در اصوات قرآنی یک نظم دقیق و حساب شده بیان کرده است. موضوعات جدیدی که ابن جنی در مباحث آموزش قرآن وارد کرده است، قبل از او مطرح نبوده مثل فرق بین حرف و حرکت، و تعیین حرکت در حرف، و فروعات حروف مستحسنه و فروعات حروف مستقبحه و.... اینها فکر ابن جنی را در مباحث صوتی نشان می‌دهد.

ابن جنی در بیان و نظم حروف از خلیل ابن احمد استفاده کرده است اما در ترتیب، ترتیب سیبویه را قبول کرده است. با این فرق که تقدیم هاء برالف را و در ترتیب حروف صفیر هم از سیبویه اختلاف نظر دارد. و ترتیب حروف نزد ابن جنی به ترتیب مخارج می‌باشد. و این ترتیب را که خود بیان کرده است می‌گوید این ترتیب صحیح است و در ترتیب خلیل بن احمد تفاوت و اضطراب وجود دارد (ابن جنی، ۲۰۰۷: ۵۴-۵۲).

#### ترتیب ابجدی

یکی دیگر از ترتیب حروف ترتیب ابجدی است. در این ترتیب حروف را به همان ترتیب سامی می‌خوانند که تعداد حروف سامی بیست و دو حرف می‌باشد. که اهل عرب شش حرف را در آن اضافه کرده‌اند و آن حروف را (الرّوَافِد) نام‌گذاری کرده‌اند. و آن شش حرف (ث خ ذ ظ ض غ) و تعداد حروف به این ترتیب بیست و هشت حرف است در زبان عربی درآمده است.

و حروف ابجدی به تنهایی خوانده نمی‌شوند بلکه به صورت کلمه‌ای مثل ابجد هوز حطی کلّمن سَعْفَض قَرَشَتْ تَخَذ صَطَغ این ترتیب حروف معیار معین و اصول تاریخی دارد. چون تمام (۲۲) حرف سامی به طور کامل در این تقسیم‌بندی وجود دارد. و با این ترتیب ابجدی حروف هم در بعضی از شهرها برای آموزش حروف و زبان عربی و آموزش قرآن استفاده می‌شود.

### ۴. عبدالهادی فضلی

نویسنده کتاب «الموجز فی علم التجوید»، عبدالهادی فضلی درباره ترتیب حروف می‌نویسد: ترتیب حروف سه مرحله دارد: مرحله اول: ترتیب ابجدی: در این ترتیب حروف از ا ب ج د شروع می‌شود. و این ترتیب حروف از اهل عرب نیست بلکه اتباع از زبان سامی می‌باشد.



مرحله دوم: ترتیب الفبائی: در این ترتیب حروف از ا ب ت ث ج ح.... شروع می‌شود. این ترتیب از اهل لغت است، که نصر ابن عاصم اللیثی متوفی ۸۹ هـ ق و یحیی بن یعمر عدوانی بیان شده است. مرحله سوم: ترتیب صوتی: این ترتیب همان است که خلیل ابن احمد فراهیدی لغت خود را بر اساس این ترتیب لغت خود را نگاشته، که ابداع خود او است. و این ترتیب حروف ابداع خود خلیل ابن احمد است که برای آن دلائل متقن در مقدمه لغت نامه بیان کرده است.<sup>۱</sup> (فضلی، ۲۰۱۲: ۳۹-۳۸).

### چینش مخرجی حروف

در کتاب العین برای حروف تهجی ۱۰ تا لقب بیان کرده است که ۹ لقب را توضیح می‌دهد و لقب دهم (الحروف الهوائیه) می‌نامد در توضیح آن می‌گوید: اینها همان حروف جوفیه هستند که ذکر آنها گذشت. در حقیقت الفاب حروف ۹ تا شمرده است. در این اینجا به حد امکان به این مطالب اشاره می‌شود.

### ۱. الحُرُوفُ الحَلْقِیَّة

حلق که در بدن انسان، از آخرین حد زبان تا حنجره می‌باشد. از آن ده القاب اولین حروف حلقی است، که این حروف شش (۶) تا هستند. العین والحاء، الهاء والخاء، الهمزة والغین، این حروف به علت خروج از حلق حروف حلقی نامیده می‌شود. و خلیل با این حروف (الف) را نیاروده است، او می‌گوید چون (الف) از هوای که در دهان جاری است خارج می‌شود.

### ۲. الحُرُوفُ اللِّهَوِیَّة

این دو (۲) حرف هستند قاف و کاف (ق ک) که خلیل این دو حرف را به خاطر این لهوی گفته است که در اداء این دو حرف زبان کوچک دخالت دارد. و بدون دخالت لهات این دو اداء نمی‌شوند. لذا حروف اللهوی گفته می‌شوند.

### ۳. الحُرُوفُ الشَّجَرِیَّة

حروف شجری سه (۳) حرف هستند: الشین و الضاد و الجیم (ش ض ج) این حروف از مفتاح الفم اداء می‌شوند.

### ۴. الحُرُوفُ الْأَسْلِیَّة

این سه (۳) حروف هستند الصاد و السین و الزای (ص س ز) این حروف چون از کناره زبان اداء

۱. الفضلی عبد الهادی، الموجز فی علم التجوید ص ۳۸-۳۹، المركز الغدیر، چاپ دوم، بیروت ۲۰۱۲.



می‌شوند، و کناره زبان را اسله گویند لذا این حروف اَسْلَیَّه نام دارند.

## ۵. الحُرُوفُ النَّطْعِيَّة

این حروف سه (۳) تا هستند الطاء و الدال و التاء (ط د ت) خلیل ابن احمد این حروف را به علت نسبت آن‌ها به محل خروج آن‌ها نَطْعِيَّة نامیده است.

## ۶. الحُرُوفُ اللَّتَوِيَّة

الطاء التاء الدال این سه حرف را (ظ ث ذ) خلیل ابن احمد لثویه نام گذاری کرده است. چون زبان در هنگام خروج این حروف به لُثَّه می‌رسد. (لثه: در دهان جایی که دندان‌های بالا به آن چسپیده‌اند گفته می‌شود.)

## ۷. الحُرُوفُ الدَّلَقِيَّة

حروف دَلَقِيَّه که به آن دِلَقِيَّه و دَوَلَقِيَّه هم گفته می‌شود. و (معنی آن حد و مرز چیزی است.) این حروف هم سه (۳) تا هستند خلیل ابن احمد اسم این سه حروف راء لام و نون (ر ل ن) دَلَقِيَّه به علت کناره بودن زبان گذاشت چون به کناره و حد را دَلَق می‌گویند.  
ابو محمد نقل می‌کند:

در بعضی از نسخه‌های کتاب العین یافتیم حروف دُلَق شش تا هستند (ر ل ن ف ب م) قَرَّ مِنْ لُبِّ در این حروف یک حکمتی وجود دارد، که در زبان عربی کلمه ی چهار و پنج حرفی وجود ندارد که یکی از این حروف نباشد. و اگر کلمه چهار و پنج حرفی در کلام عرب یافت شود و از این شش حرف در آن نباشد قطعا آن لفظ از لغت عرب نیست این یک میزان است.<sup>۱</sup> (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱/۱۱۲۶).

## ۸. الحُرُوفُ الشَّفْهِيَّة

این حروف شَفْهِيَّة که به آن شَفَوِيَّة هم گفته می‌شود، سه (۳) تا هستند الفاء الباء الميم (ف ب م) این سه حرف هم به مخرجش منسوب هستند. محل خروج آن‌ها لب‌ها هستند.

## ۹. الحُرُوفُ الجَوْفِيَّة

این سه (۳) حرف، حروف جوفیه گفت می‌شوند. الالف و الواو و الياء (ا ی و) چون در خروج

۱. تاج العروس، ابو محمد، ج ۱، ص ۱۱۲۶.



اینها فضای دهان دخالت دارد. و بعضی از مجودین همزه (ء) را هم در همین جوف شامل می‌کنند چون منخرج همزه انتهای حلق است که از جوف متصل است.

### نتیجه‌گیری

با بررسی دیدگاه دانشمندان تجوید و زبان‌شناسی عربی چنین به دست می‌آید:

- ۱- دو دیدگاه عمده در باب تعداد حروف عربی وجود دارد. بیست‌وهشت و بیست‌ونه حرف. اما نتیجه نویسنده بیست‌ونه حرف می‌باشد.
- ۲- قائلین بیست‌ونه حرف نیز دو دسته‌اند، کسانی که الف و همزه را حروفی مستقل دانسته و کسانی که لام الف را حرفی متمایز از سایر حروف دانسته است موضوعی که از حدیث پیامبر ﷺ ثابت است اما بعضی از علماء به آن توجهی نداشتند.
- ۳- به نظر می‌رسد قول کسانی که تعداد حروف عربی را بیست‌ونه حرف‌اند و حرف الف و حرف همزه را حروفی مستقل دانسته‌اند، درست است زیرا پشتوانه روایی دارد.
- ۴- خلیل نخستین شخصیتی است که ترتیبی برای حروف بیان کرده او نخستین حرف را «عین» دانسته و ترتیب حروف را از حروف حلقی آغاز کرده و به حروف شفوی رسانده است.
- ۵ - ترتیب دوم ترتیب ابجدی است که تا زمان معاصر ادامه دارد، اما ترتیب رایج ترتیب ابثی است.
- ۶- تعداد حروف فرعی نیز بر اساس قول مشهور هفت حرف است البته چندین حرف فرعی غیر فصیح نیز وجود دارند که از لهجه‌ای به لهجه دیگر متفاوت است.



## فهرست منابع

۱. ابن جنی، ابوالفتح عثمان، سر صناعة الاعراب، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة الثانية، ۲۰۰۷م.
۲. ....، المحتسب، بیروت لبنان: دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۱۹م.
۳. ابن درید الازهری البصری، معجم جمهره اللغة، بیروت، لبنان: دارالعلم الملايين، ۱۹۷۸م.
۴. الازهری، منصور، محمد بن احمد، معجم تهذيب اللغة، بیروت، لبنان: دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق.
۵. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس اللغة، قم: ناشر مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. البهناوی، حسام، علم الاصوات، القاهرة، مصر: مكتبة الثقافية الدينية، ۱۴۲۵ق.
۷. الجاربردی، فخرالدین احمد بن حسن، شرح الشافیه، ایران: عالم الكتب، ۱۹۸۴م.
۸. الجریسی، محمد مکی نصر، نهاية قول المفید فی علم التجوید القرآن المجید، طنطا مصر: دارالصحابه للتراث، ۱۴۳۰ق.
۹. الجزری محمد ابن محمد، طبقات القراء، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة الثانية، ۲۰۰۷م.
۱۰. حسنی عبدالجلیل یوسف، علم القراءة للغة العربية، سوریه: الصحصوه شعبه سیده زینب، ۱۴۳۵ق.
۱۱. الحمد غانم قدوری، رسم الخط مصحف، عراق: جامعة البغداد، ۱۹۸۲م.
۱۲. الحمد غانم قدوری، شرح المقدمة الجزریة، جده: مركز دراسات العلومات القرآنیة، ۲۰۰۹م.
۱۳. حیایو یوسف کاظم، الدرس الصوتی عند احمد بن محمد الجزری، عمان: دارالصفاء للنشر والتوزيع، ۱۴۳۱ق.
۱۴. صغیر، محمد حسین، الصوت اللغوی فی القرآن، بیروت لبنان: المؤسسة دراسات القرآنیة، ۱۴۲۰م.
۱۵. عباده، محمد ابراهیم، معجم الحروف فی کتاب سیبویه، قاهره: مكتبة الادب ۱۴۲۸م.
۱۶. عرباوی، سیدعلی، تجوید الحروف الجوفیة التي نزل بهن القرآن، القاهرة: مكتبة اولادالشیخ للتراث، ۲۰۰۹م.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: مؤسسه دارالهجرت، بی تا.
۱۸. الفضلی، عبدالهادی، المؤجز فی علم التجوید، بیروت: المركز الغدیر، ۲۰۱۲م.
۱۹. فیروزآبادی محمد بن یعقوب، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴م.
۲۰. القاری، ملاعلی بن سلطان محمد، بیروت: المنح الفکرية/مکتبه العصریة، ۲۰۰۹م.
۲۱. قرطبی، عبدالوهاب بن محمد، الموضح فی التجوید، اردن: دارالعماد، ۲۰۰۹م.
۲۲. کحالة، عمر رضا، معجم المؤلفین، بیروت: مؤسسه الرسالة، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۴م.
۲۳. میرد، ابوالعباس محمد بن یزید، المقتضب، بیروت: دارالکتب العلمیة، بی تا.
۲۴. مجدی، ابراهیم محمد ابراهیم، فی اصوات العربیة، القاهرة: مكتبة النهضة العصریة، ۲۰۰۶م.
۲۵. مکی بن ابی طالب، حموش بن محمد، الرعاية لتجوید القراءة، الجیزة: مكتبة اولادالشیخ للتراث، ۲۰۰۹م.

## References

1. A'rabawi, Seyyed Ali, The Tajwid of al-Jawfiyyah As Revealed in Quran, Cairo: Maktabah Owlad al-Sheikh of Heritage, 2009.
2. Abadah, Muhammad Ibrahim, Al-Haruf Dictionary in the Book of Sibawayh, Cairo: Maktabah al-Adab, 1428 AD.
3. Al-Azhari, Mansour, Muhammad bin Ahmad, Mu'jam Tahzib al-Lughah, Beirut, Lebanon: Dar al-Ma'rifah, 1422 AH.
4. Al-Bahansawi, Hossam, Ilm al-Aswat (Phonetics), Cairo, Egypt: Maktabah al-Thaqafiyyah al-Diniyyah, 1425 AH.
5. Al-Fazli, Abd al-Hadi, Al-Mu'jaz fi Ilm al-Tajwid (A Concise Note on Tajwid Science), Beirut: Al-Makaz al-Ghadir, 2012.
6. Al-Hamad Ghanam Qaduri, Rasm al-Khat of Quran (The Method of Writing in Quran), Iraq: Al-Baghdad University, 1982.
7. Al-Hamd Ghanam Qaduri, Sharh al-Muqaddimah al-Jazariyyah, Jeddah: Al-Quran Studies Center, 2009.
8. Al-Jarburdi, Fakhr al-Din Ahmad bin Hasan, Sharh al-Shafiyah, Iran: A'lam al-Kutub, 1984.
9. Al-Jazari Muhammad bin Muhammad, Tabaqat al-Qurra' (The Classes of Reciters), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 2<sup>nd</sup> Edition, 2007.
10. Al-Juraysi, Muhammad Makki Nasr, Nihayah Qawl al-Mufid fi Ilm al-Tajwid al-Quran al-Majid (The Ultimate Discussion on the Science of Tajwid in the Holy Quran), Tanta Egypt: Dar al-Sahabah li al-Turath, 1430 AH.
11. Al-Qari, Mullah Ali bin Sultan Muhammad, Beirut: Al-Minah al-Fakriyyah /Maktabah al-Asriyyah, 2009.
12. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab al-Ayn, Qom: Dar al-Hijrat Institute, n.d.
13. Feyrozabadi Muhammad bin Ya'qub, Taj al-Arus min Javahir al-Qamus, Beirut: Dar al-Fikr, 1414 AD.
14. Hassani Abd al-Jalil Yousuf, Ilm al-Qira'h li al-Lughah al-Arabiyyah, Syria: Al-Sahawah Branch of Seyyedah Zainab, 1435 AH.



15. Hayawi Youssuf Kazem, Al-Dars al-Asawti in the Viewpoint of Ahmad bin Muhammad al-Jazari, Oman: Dar al-Safa for Publishing and Distribution, 1431 AH.
16. Ibn Durayd al-Azhari al-Basri, Mu'jam Jamharah al-Lughah, Beirut, Lebanon: Dar El Elm Lilmalayin, 1978.
17. Ibn Faris, Ahmad, Mu'jam al-Maqayis al-Lughah, Qom: Maktabah al-A'lam al-Islami, 1404 AH.
18. Ibn Jinni, Abu al-Fath Uthman, al-Muhtasib, Beirut, Lebanon: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1419 AD.
19. Ibn Jinni, Abul-Fath Uthman, Sirr Sana'ah al-I'rab (The Secret of I'rab in the Arabic Language), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, 2<sup>nd</sup> Edition, 2007.
20. Kahalah, Omar Reza, Mu'jam al-Muallifeen (Dictionary of Authors), Beirut: Risalah Institute, Dar Ihya al-Turath al-Arabi, 1414 AD.
21. Majdi, Ibrahim Muhammad Ibrahim, Fi Aswat al-Arabiya (On Arabic Phonetics), Cairo: Maktabah al-Nahdah al-Asriyah, 2006.
22. Makki bin Abi-Talib, Hamoush bin Muhammad, Al-Ria'iyah li Tajaweed al-Qira'ah, Al-Giza: Maktabah Owlad al-Sheikh for Heritage, 2009.
23. Mubarrad, Abu al-Abbas Muhammad bin Yazid, al-Maqtasab, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah, n.d.
24. Qurtubi, Abd al-Wahhab bin Muhammad, Al-Muzah fi al-Tajwid (An Explanation in the Science of Tajwid), Jordan: Dar al-I'mad, 2009.
25. Sagheer, Muhammad Hossein, al-Asawt al-Laghawi fi al-Quran, Beirut, Lebanon: Al-Quran Studies Foundation, 1420 AD.

